



اجتهاد از زمان پیامبر (ص) تا عصر حاضر

فاروق حسینی^۱
(مذهب شافعی - استان کردستان)

* چکیده

عنصر «اجتهاد» در فقه، خصیصه‌ای است همچون سایر خصایص اسلام که جلوه منحصر به فردی به آن بخشیده است. «اجتهاد» موتور محرکی است که توانسته است شریعت اسلام را همگام با زمان و مکان، مشکلات و معضلات، نیازها، سوالات و شبهات به پیش ببرد.

وجود مجتهدان و ضرورت اجتهاد در هر عصر و زمانی مورد تأکید فراوان دین بوده و در مواجهه با مشکلات جز با احیای اجتهاد نمی‌توان شریعت اسلام را در بستر زمان و مکان به حرکت در آورد. اجتهاد، به شریعت باروری و حاصلخیزی عطا می‌کند و به آن برای رهبری زمام امور زندگی، در جهت اهداف و مقاصد شارع، قدرت سرشاری می‌بخشد بدون این که از حدود و حریم الهی تجاوز



۱- مدرس سطح یک حوزه؛ با همکاری محمدامین جوان‌پور- طلبه پایه پنجم مرکز بزرگ اسلامی واحد سقز.

کند و یا حقوق انسانی را پایمال نماید. البته دریافت چنین مطلبی، هنگامی میسر است که اجتهاد صحیح، با تمام شرایط، از اهل خود و در محل خود صادر گردد و هیچ عصر و زمانی خارج از اجتهاد نیست.

کلیدواژه‌ها: اجتهاد، عصر حاضر، مذاهب اسلامی، گذر زمان، پویا و متحرک.

* مقدمه

اجتهاد در شریعت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از واجبات اصلی اصول فقه شمرده می‌شود که به وسیله آن احکام شرعی از ادله تفصیلی استنباط می‌شوند. فقها برای اجتهاد تعاریف مختلفی بیان کرده‌اند، اما جامع و کامل‌ترین تعریفی که از مجموع آن تعاریف می‌توان ارائه نمود، این است که اجتهاد عبارت است از: «ملکه ذهنی و خدادادی که مجتهد با استعداد از این ملکه ذهنی به استنباط احکام شرعی از ادله تفصیلی می‌پردازد.»

اجتهاد در عصر پیامبر اعظم (ص) صورت گرفته است و اصحاب و فقها به آن عمل کرده‌اند و احادیث پیامبر اعظم (ص) بیانگر این مسئله است که ایشان اصحاب را تشویق به اجتهاد بر مبنای قرآن و سنت نموده‌اند. حدیث مشهور معاذ بن جبل (رض) که ایشان در جواب سوال پیامبر (ص) فرمودند: «... اجتهد رایب و لا آلو» (ابو داود، ج ۲، ص ۳۲۷) سعی و کوشش خودم را در مورد رأیم به کار می‌برم و کوتاهی نمی‌ورزم. و همچنین حدیث ابن العاص که پیامبر (ص) خطاب به ایشان فرمودند: «لحکم فی بعض القضا یا فقال: أجتهد و أنت حاضر؟ فقال: نعم ان أصبت فلک أجران و ان أخطأت فلک أجر» (غزالی، ج ۲، ص ۱۰۴) در بعضی از قضایا داوری کن، پس گفت آیا اجتهاد نمایم در حالی که شما حاضرید؟، پیامبر (ص) فرمود: آری، اگر درست رأی داده باشی دو پاداش داری و اگر اشتباه کرده باشی نیز یک پاداش از آن توست.

اجتهاد زمانی که مخالف نصوص شرعی نباشد و مجتهد در نصوص ظنی الثبوت یا ظنی الدلاله که نصی در ثبوت و قطعیت آن نیامده باشد، نهایت تلاش را بکند تا به

مقصودی که مد نظر شارع است برسد به گونه ای که بر مبنای مسالک اجتهاد عمل کند، این اجتهاد صحیح است و آثار شرعی بر آن مترتب می شود، در اینجاست که علمای اصول با الهام از کلام رسول خدا (ص) به ما آموخته اند که هیچ گناهی متوجه مجتهدان در کار اجتهاد نمی شود؛ و حتی اگر کسی در اجتهاد به خطا رفت، دارای یک اجر است، این دیدگاه و طرز فکر باید سرلوحه کار هر دعوت گر و مفتی و مجتهد در احکام اجتهاد باشد تا جامعه متحول و پاسخ به مشکلات پیچیده جامعه هر چه زودتر داده شود.

الف) واژه شناسی اجتهاد در لغت و اصطلاح

اجتهاد در لغت از ماده «ج، ه، د»؛ «جُهد» به معنی بذل نیرو و «جَهد» به معنی تحمل مشقت می باشد. (لسان العرب، ج ۲، ص ۳۹۵) اجتهاد از باب افتعال (به مفهوم مطاوعه و پذیرش) به معنای «بذل مجهود است برای پیدا کردن مقصود از راه استدلال؛ اجتهاد اجتهاداً فی الأمر: یعنی در کار کوشید و سعی و جهد کرد». (خلیل ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۶) بنا بر این قاعده، شدت و مبالغه عمل در صیغه «اجْتَهَدَ» بیشتر از صیغه «جَهدَ» می باشد. (نعمتی، ص ۲۳۳)

امام غزالی می فرماید: در لغت، اجتهاد به معنی به کارگیری نهایت کوشش در هر فعلی است و واژه اجتهاد در عملی استعمال می گردد که دارای تکلف و مشقت باشد؛ لذا می توان گفت: «اجتهاد فی حمل حجر الرحا» یعنی در حمل سنگ آسیاب نهایت توان را به کار برد. ولی نمی توان گفت: «اجتهاد فی حمل خردله» یعنی در حمل ذره ای کوچک نهایت کوشش نمود. (غزالی، ج ۲، ص ۳۵۰) ابن اثیر می گوید: اجتهاد عبارت است از سعی و کوشش در جهت جستجو و طلب امری. (نهایه، ج ۱، ص ۳۱۹)

ابن ابی ذرعه از ماوردی نقل می کند: «معنای لغوی اجتهاد عبارت است از بذل و کوشش در انجام کاری که در آن مشقت و سختی است و این برگرفته از جهاد نفس و قبول رنج و تعب در دستیابی به مراد و مطلوب است». (جناتی، ج ۱، ص ۶۲)

عالمان، تفسیر جهاد در آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت، ۶۹) را به

معنای کوشش در راه بندگی خدا و یاری دین و احیای سنت رسول خدا (ص) گرفته‌اند. (کاشانی، ج ۲۵، ص ۹۴؛ قرطبی، ج ۱۳، ص ۳۶۴) ابن حزم پیشوای دوم مذهب ظاهری همین معنا را درباره اجتهاد مورد پذیرش قرار داده است. (ابن حزم، ج ۱، ص ۶۷)

و اما اجتهاد در اصطلاح علم اصول: اجتهاد به عبارات مختلفی تعریف شده است و شاید نزدیک‌ترین آنها به مقصود، تعریف امام شوکانی در کتاب «ارشاد الفحول» باشد که می‌نویسد: «الاجتهادُ بذلُ الوسع فی نیل حکم شرعی عملی بطریق الاستنباط» (شوکانی، ص ۲۵۰) یعنی اجتهاد، به کارگیری سعی و کوشش است جهت دستیابی به یک حکم شرعی عملی از راه استنباط. بعضی از اصولین در تعریف اجتهاد به جای عبارت «بذل الوسع» از عبارت «استفراغ الوسع»: یعنی به کارگیری حداکثر تلاش و کوشش استفاده نموده‌اند. (نعمتی، ص ۲۳)

ب) واژه‌شناسی استنباط در لغت و اصطلاح

کلمه استنباط از ماده «نبط» اخذ شده است و در لغت به معنی کشیدن آب از اعماق زمین است و در اصطلاح به معنای به دست آوردن احکام شرعی حوادث واقعه و مسایل نوین است از عناصر خاصه و ادله معتبر از راه سعی و کوشش. بر این اساس استنباط مرادف با اجتهاد است. مجتهد در عرف متشرعه بر کسی اطلاق می‌شود که بتواند احکام شرعی را از راه عناصر خاصه و مشترک استنباط و استخراج نماید، که به او مفتی نیز گفته می‌شود. (جنّاتی، ۱۳۸۶: ۸۱) در اینجا است که می‌بینیم اجتهاد و استنباط دو روی یک سکه هستند که پیوندی فشرده و مضاعف با هم دارند و نمی‌توان آنها را از هم جدا نمود.

ج) شرایط اجتهاد

دانشمندان علم اصول فقه برای مجتهد شدن شروطی را برشمرده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: آشنایی با قرآن کریم، آشنایی با سنت، آشنایی و آگاهی از ادبیات عرب [از قبیل: صرف، نحو، بلاغت و ...]، آشنایی نسبی از موارد اجماع، آشنایی با فن اصول فقه، آگاهی از وضعیت زندگی مردم (جامعه‌شناسی)، عدالت و تقوا

و از همه مهم تر آگاهی از اهداف و مقاصد شریعت است که هدف از نزول شریعت همانا مراعات و دستیابی به مصالح مادی و معنوی، فردی و اجتماعی بشریت است، مراعاتی که برای تساوی و عدالت، بدون افراط و تفریط استوار گردد که همان مصالح سه گانه شریعت «ضروریات، حاجیات و تحسینات» و همچنین مراعات مکملات و توابع آنها از قبیل: «دفع مفسد و جلب مصالح» و غیره باشد. امام سبکی، علم و احاطه به مهم ترین قواعد شریعت را شرط مستقل اجتهاد می‌دارند تا در پرتو آن قواعد مجتهد به نیرویی که موجب ادراک مقاصد شارع است، نایل آید. (ر.ک: جمع الجوامع، امام سبکی)

* سیر اجتهاد در جهان اسلام

اصحاب رسول خدا (ص) در حضر و سفر، هنگامی که در محضر پیامبر (ص) بودند، عموماً برای جواب مسائل به وی مراجعه می نمودند و وقتی که در محضر پیامبر (ص) نبودند، جواب مسائل را مانند معاذ بن جبل از قرآن و سنت و رأی و استنباط خویش دریافت می کردند. (احمد امین، ج ۲، ص ۱۵۸)

بعد از رحلت پیامبر (ص) باب اجتهاد به یکباره و کاملاً بر روی اصحاب گشوده شد و در دوره تابعین نیز علاوه بر نصوص آیات و احادیث نبوی، قول و فعل اصحاب معروف در ردیف منابع استنباط و استخراج احکام فقهی قرار گرفت و این باب هر چه بیشتر باز شد، موجب اختلاف هر چه بیشتر اجتهادها و احکام فرعی گردید (الدقر، ص ۷) زیرا اقوال اصحاب معروف گاه با هم متفاوت بود و همین موجب تفاوت اجتهاد علمای تابعین می شد؛ از میان اصحاب کبار جمعی اقوال عبدالله بن مسعود و برخی اقوال علی مرتضی و ابن عباس را ترجیح می دادند (احمد امین، ج ۵۲، ص ۱۵۹) و ظاهراً در این دوره، اجماع به عنوان منبعی دیگر برای استنباط احکام، در کنار سایر منابع قرار گرفت و در اواخر دوره تابعین، امام ابوحنیفه رهبر مکتب اهل عراق، برای اجتهاد خویش منابع زیر را مقرر داشت: «کتاب، سنت، فتاوی اصحاب، اجماع، قیاس، استحسان و عرف» و در همان زمان و کمی بعد از امام ابوحنیفه، امام مالک رهبر مکتب اهل حدیث

در حجاز، اجتهاد خود را بر اساس منابع «کتاب، سنت، اقوال اصحاب، اجماع، عمل اهل مدینه، قیاس، استحسان، مصالح مرسله، عرف و سدّ ذرایع» قرار داد؛ امام شافعی نیز در همان زمان و کمی بعد از امام مالک، اجتهاد خود را منحصرأً مبتنی بر منابع «کتاب، سنت، اجماع، قول اصحاب و قیاس» قرار داد. (شعکه، ص ۱۱۰ الی ۱۷۱)

ه) نقش اجتهاد و ضرورت آن در عصر حاضر

اجتهاد، حیات بخش شریعت اسلام است تا زمانی که فقه و اجتهاد بویا و متحرک نباشد، شریعت زنده و چایدار نخواهد ماند؛ زیرا از مقتضیات رشد و کمال حیات شریعت و ضرورت انتشار آن در جهان، اعتقاد جازم به وجود بالفعل اجتهاد است، به ویژه در عصر ما که عصر علم و سرعت در پیشرفت تکنولوژی است، مسائل و حوادث زیادی در باب معاملات و قضایای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مطرح است که جز در پناه اجتهاد و شورای مجتهدین متخصص، چاره ای برای پاسخ به آن نیست و اجتهاد است که شریعت را همساز و قابل اجرا در هر زمان و مکان می‌کند. (زحیلی، ج ۲، ص ۱۰۸۸)

تن دادن به ضعف و سستی در مسائل اجتهاد و خود را راضی نمودن به آنچه در متون کتب گذشتگان است و در نتیجه عقب ماندن از کاروان تمدن و تکامل علم و اجتناب در توسعه میادین فقه و اجتهاد از جمله مسائلی است که مورد پسند و رضای خداوند و رسول گرامی (ص) نخواهد بود. اجتهاد در این عصر از هر حیث، لازم بلکه ضروری است و هیچ مشکلی در بر ندارد. (نعمتی، ص ۲۳۹)

استاد ندوی می‌گوید: «... قایل بودن به اجتهاد، نشانه پیشرفت و روشنفکری تلقی می‌شود. بدون تردید اجتهاد نیاز زمان بوده و از لوازم این دین است، دینی که می‌خواهد دوشادوش زندگی حرکت کرده و آنها را قیادت نماید. مخصوصاً در زمانی که تمدن، صنعت و تجارت به طور بی سابقه‌ای پیشرفت کرده است». (ندوی، ۵۶)

علم فقه، علمی اجتهادپذیر است و اجتهاد در اسلام حرکتی ضروری و اجتناب ناپذیر است. فقه اسلامی از برکت اجتهاد است که همیشه در هر زمان و مکانی تکامل و پویایی

داشته است هر چند برخی اوقات بنا بر پشت سر گذاشتن و نادیده گرفتن مقتضیات پویایی آن، رکود بدان روی آورده است. فقه اسلامی زیر سایه اجتهاد است که در هر عصری توانایی پاسخگویی به تمام نیازها، سوالات، شبهات و مشکلات را داشته است. اجتهاد را باید با مفهوم اصلی آن فهمید که عبارت است از: کشف و تطبیق موارد کلی و ثابت بر موارد جزئی و متغیر.

کلیات اسلامی، ثابت و لایتغیر و محدود است، اما حوادث و مسائل، نامحدود و متغیر است و هر زمانی مقتضیات مخصوص به خود را داراست، به همین جهت ضرورت دارد که در هر عصر و زمانی گروهی متخصص و عالم به کلیات اسلام و عارف به مسائل و پیش آمدهای زمان، عهده دارد «اجتهاد» و «استنباط» حکم مسائل جدید از کلیات اسلامی باشند. روشن است که مقتضیات زمان قادر بر تغییر اصول ثابت نیست. زمان نمی‌تواند اصول را عوض کند؛ بلکه در واقع اسلام با حفظ اصول است که همراه با اجتهاد پیش می‌رود. اجتهاد در حقیقت مانع می‌شود که تفکر فقهی در قالب‌هایی ثابت، متحجر و جامد باقی بماند و از مقتضیات زمان و جامعه بیگانه شود. اسلام در پرتو اجتهاد، پاسخگوی نیازهای نوین و متغیر زمان است. بدیهی است که مشکلات نو، راه حل نو می‌خواهد و مسئولیت آن نیز بر عهده طلایه داران اجتهاد یعنی مجتهدان است که با جهد و تلاش بی‌وقفه حاصل زحمت خود را به مسلمانان و جامعه اسلامی عرضه می‌دارند. استعداد پایان ناپذیر قرآن و سنت و قابلیت فراوان این دو منبع استنباط احکام اسلامی، جاودانگی عصر اجتهاد در عصر خاتم انبیاء را می‌رساند. (مطهری، ص ۹۲)

علامه محمد اقبال لاهوری در کتاب «احیای فکر دینی در اسلام» اجتهاد را موتور حرکت اسلام می‌داند. او می‌پرسد: اصل و حرکت در اسلام چیست؟ و پاسخ می‌دهد: همان است که به نام اجتهاد خوانده می‌شود. او در توضیح معنای لغوی و اصطلاحی اجتهاد می‌نویسد: معنای لغوی کلمه اجتهاد، کوشیدن است و در اصطلاح فقه اسلامی بف به معنی کوشیدن به این منظور است که در مورد یک مسئله حقوقی حکم مستقلی بدهند. اندیشه اجتهاد، به نظر من مبتنی بر آیه‌ای از قرآن است به این مضمون: و آنان که در راه

ما بکوشند، ایشان را به راه‌های خود رهبری خواهیم کرد. (لاهوری، ص ۱۶۹ و ۱۷۰)

دکتر شریعتی نیز می‌گوید: اجتهاد که برجسته‌ترین شاخصه روح علمی و بینش اقتصادی اسلام است نه تنها موجب می‌شود که اندیشه اسلامی در قالب‌های ثابت متحجر نشود، فهم مذهبی و قوانین و احکام دینی به صورت سنت‌های راکد و تعبه‌های موروثی و اعمال تکراری و عبث و بی‌روح درنیاید و در مسیر تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی و مرگ و زاد نیازها و مقتضیات زندگی، از حرکت بازنایستد و با زمان و زمینه جدید بیگانه نگردد و همواره نو بماند و مترقی و ضروری؛ بلکه عاملی که طرز تفکر اسلامی پیشاپیش زمان، همواره در حرکت و کمال باشد و در طی تاریخ، توسعه و تکامل و غنای بیشتر یابد و نه تنها از زمان عقب نیفتد که زمان را نیز با خویش به جلو براند و از رکود و توقف روح اجتماعی و فکر علمی جامعه اسلامی مانع گردد و هدفش نه تنها تطبیق احکام اسلامی با احتیاجات نوین و هماهنگی با حرکت زندگی جدید؛ بلکه خلق این احتیاجات و تحریک هدایت زندگی باشد. (شریعتی، ص ۹)

اجتهاد و به تبع آن فقه، باید به روز شود، فقه و اجتهاد دیروز به درد اداره جامعه دیروز می‌خورد و برای اداره جامعه امروز کافی نیست. امروز متخصصان فقه و حقوق اسلامی با انبوهی از مشکلات بزرگ اجتماعی، اقتصادی و غیره دست و پنجه نرم می‌کنند و از میان زندان چهاردیواری خانه و مدرسه به پهنه گستره جامعه پای نهاده‌اند و همه چشم‌ها به سوی آنان دوخته شده است که آیا می‌توانند در پرتو فتاوی‌ ارزنده و کارساز خود قانونی به وجود آورند و پاسخ مشکلات پیچیده جامعه را بدهند. آیا با اجتهاد به سبک اجتهاد دیروز، مشکلات امروز از سر راه مردم برداشته می‌شوند؟ هرگز!

جامعه پویا همه چیز وابسته به خود را پویا می‌کند و هرگاه جلوی پویایی چیزی در رابطه با جوامع بشری گرفته شود، آن چیز همین که از حرکت بازماند، دچار سستی و بیماری و مرگ می‌گردد. این اصلی مسلم در علم جامعه‌شناسی است.

جامعه متحول، فقه متحول می‌خواهد و فقه که قانون حاکم برای جامعه‌ها در هر زمان

و مکان است، باید لاجرم متحرک باشد و پویایی پذیرد و هرگاه کسی یا کسانی یا هر نیرویی و به هر انگیزه ای بخواهند در برابر پویایی آن مقاومت کنند، خود و جامعه خود را دچار مشکلات لاینحلی کرده‌اند.

* نتیجه

آنچه مسلم است، این است که شریعت اسلام امر ثابتی است ولی فهم و درک ما از آن ثابت نیست همچون فیزیک که طبیعت آن ثابت، ولی فهم طبیعت در هر زمانی متغیر است؛ لذا در هر عصری، امت، شریعت را چنان می‌فهمند که معارف مقبول آن عصر اقتضا کند. اینجا است که مجتهد باید فرزند زمانه خویش باشد و در عصر و محیط خود بیندیشد و اوست که میان پایدار و ناپایدار، مقدس و نامقدس و ثابت و متغیر بر حسب شرایط زمانی، مکانی و احوال گونه‌گون، آشتی می‌دهد.

پس از دوران عصر طلایی ائمه مجتهدین، به دلیل منزوی شدن بسیاری از فقها در صحنه حکومت و اجتماع، فقه در دایره اعمال فردی و عبادات رشد تک بعدی کرد و همراه با تحول جوامع، به ویژه در سال‌های اخیر که روابط و مناسبات اجتماعی دگرگونی شتابنده‌ای داشته است ولی باز فقیهان متأخر (به جز عده معدودی) همه بر اساس همان میراث گذشته و از پشت عینک همان سبک استنباط، نصوص و ظواهر آیات و حدیث را تفسیر و بررسی نمودند و اینجا است که با روی کار آمدن فقه و اجتهاد پویا، باید از قفس تنگ تقلید پا بیرون نهاد و آراء و نظرات گذشتگان را از نظرگاه نقد نگریست و تحولات شگرف جدید را فرآید خود داشت.

تواناسازی فقه برای حضور در عرصه زندگی پیچیده امروز، کار حساس، ظریف و پرمخاطره‌ای است، لذا باید با بصیرتی برخاسته از احاطه بر تمام جوانب فقه و انگیزه‌های خالص به پیش رفت و از روی فهم و مقاصد تشریح و روح دین، مذاق شریعت را چشید و با تکیه بر میراث پرمایه هزار ساله فقه به کار بازننگری و بازسازی آن پرداخت و پس از تفحص و پژوهش کامل علمی و با در نظر داشتن تدین به دین اسلام، اقدام به صدور

فتوا با تمام حریت و شجاعت و به دور از هرگونه فشار نمود.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. قرآن مجید
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، نهاییه فی غریب الحدیث و الاثر، المکتبه الاسلامیه، قاهره، ۱۳۴۳ق.
۳. ابن حزم، علی بن احمد، المحلی با لاتار، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن قیم جوزی، محمد ابن ابوبکر، اعلام الموقعین عن رب العالمین، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۶ق.
۵. احمد امین، ضحی الاسلام، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۶. جر، خلیل، المعجم العربی الحدیث (لاروس)، تهران، ترجمه سید حمید طبیبیان، امیرکبیر، ۱۳۸۱ش.
۷. جمال الدین محمد بن مکرم، أبوالفضل (ابن منظور)، لسان العرب، دار صادر، ۲۰۰۳م.
۸. جنّاتی، محمد ابراهیم، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶ش.
۹. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن دارمی، تحقیق محمد احمد دهمان، دمشق، ۱۳۴۹ق.
۱۰. الدقر، عبدالغنی، الامام الشافعی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۰ق.
۱۱. رازی، فخرالدین، المحصول، بیروت، موسسه الرساله، الطبعة الثانیه، ۱۴۱۲ق.
۱۲. زحیلی، وهبه، اصول الفقه الاسلامی، تهران، دارالاحسان، ۱۳۷۶ش.
۱۳. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، ج ۲، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۴. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات فی اصول الشریعه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۱۵. شریعتی، علی، اجتهاد و نظریه انقلاب دائمی، تهران، نشر نذیر، بی تا.
۱۶. شعکه، مصطفی، الاثمه الاربعه، قاهره، دارالمصریه اللبنانیه، ۱۴۱۳ق.
۱۷. شوکانی، محمد بن علی، ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الاصول، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
۱۸. غزالی، ابوحامد محمد، المستصفی من علم الاصول، المکتبه التجاریه الکبری، بیروت، ۱۹۳۷م.
۱۹. قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۸۷ق.
۲۰. کاشانی، فتح الله، تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، دفتر نشر نوید اسلام، قم، ۱۳۸۸ش.
۲۱. لاهوری، اقبال، احیای فکر دینی در اسلام، احمد آرام، تهران، انتشارات کتاب پایا، بی تا.
۲۲. مطهری، مرتضی، ختم نبوت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ش.
۲۳. ندوی، ابوالحسن علی، رجال الفكر و الدعوه فی الاسلام، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۲۰ق.